

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۲۹ سپتمبر ۲۰۲۳



مختار دریا

کمک به دوام حالت احتضار

سازمان ملل متحده برنامه دوساله‌اش برای افغانستان را در یک سند هفتادوچند صفحه‌ای نشر نموده و در آن طبق روال کار آن سازمان، اهدافی را برای بهبود وضعیت معیشتی، شغلی، مدنی و صحتی افغان‌ها ترسیم کرده است. آن اهداف کلیشه‌ای مشروط به حمایت‌های بین‌المللی، بهبود وضعیت سیاسی داخلی و همکاری طالبان شده است. در عین حال از کاهش تمایل کشورها و نهادهای کمک‌کننده به حمایت برنامه‌های آن سازمان و سیاست‌های بازدارنده طالبان چون موانع اصلی تحقق آن اهداف یاد شده است. با آن‌که چارت‌ها و فاکت‌های بسیاری در مورد اقدامات احتمالی برای کاهش فقر، تامین حقوق و آزادی‌های مردم در آن درج گردیده، اما نه خود تهیه‌کنندگان سند اطمینان دارند که به آن اهداف دست خواهند یافت و نه ما می‌توانیم انتظاری بیشتر از کمک به دوام حالت نیمه‌جانی کنونی از مساعدت‌های ملل متحد داشته باشیم. با این حال، آن سند در شرح وضعیت موجود و سقوط افغانستان نکات مهمی دارد. از جمله اطلاعاتی در مورد کاهش عاید سرانه، کوچک شدن اقتصاد، کاهش فعالیت‌های سکتور خصوصی، بیکاری شدید، تاثیر ویرانگر محدودیت‌های طالبان بر معیشت خانواده‌ها، سوءتغذی میلیون‌ها کودک و زن، فروش کودکان، فروش اعضای بدن، شکنجه مخالفان، تبعیض و محرومیت‌های گوناگون شغلی، تعلیمی، تحصیلی، گشت‌وگذار به‌خصوص برای زنان، افزایش اعتیاد و امراض روانی، رقم بالای بی‌جاشدمگان و مهاجران در آن گنجانده شده است. برای ثبت بخشی از تاریکی‌های حاکمیت طالبانی، می‌تواند سند معتبری باشد.

متأسفانه سازمان ملل متحد در آن سند چون نهادی منفعل و شرح‌دهنده اوضاع ظاهر شده است. طرح بنیادی برای تغییر وضعیت ندارد و به تاسی از موضع تمویل‌کننده‌گان و حامیان اصلی آن سازمان، وضعیت موجود را تنها شرح داده و برای کاهش رنج قربانیان، نه نجات آنان، پلان احتمالی و مشروط پیشنهاد کرده است. نقش تسکینی نهادهای بین‌المللی چون سازمان ملل متحد، نجات ملت‌های جنگ‌زده و گرفتار بلاهای استخباراتی و تروریستی را به تاخیر می‌اندازد و امیدها و تکیه‌گاه‌های کاذب برای مردم تحت ستم خلق می‌کند. از این رو قضاوت در مورد این‌که آیا حمایت‌های مالی که

از کانال سازمان ملل متحده به افغانستان می‌ریزد، به دوام ستم طالبانی یاری می‌رساند و یا عمر آن را کوتاه می‌کند، آسان نیست. از یک سو گرسنگی و بی‌پناهی جاری مردم در نبود این کمک‌های حداقلی می‌تواند به فاجعه جبران‌ناپذیر بشری بدل گردد، طوری که صدها هزار انسان و شاید میلیون‌ها تن صرفاً به دلیل نبود غذا جان خود را از دست بدهند. از سوی دیگر، این مسکن‌ها استبداد طالبانی را برای مردم ناچار «تحمّل‌پذیر» می‌کند و به شریان‌های اداری و مالی آن گروه نیز حیات می‌بخشد. حضور سازمان ملل و دیگر نهادهای خارجی بدون شک از خشونت عریان و تصفیه‌های تروریستی طالبان کاسته و تعلیقی را بر بی‌رحمی طالبان اعمال کرده است، اما در عین حال به دوام و تثبیت حاکمیت آن گروه نیز کمک کرده و هر گونه تلاش و مبارزه فراگیر ملی را علیه حاکمیت تحمیلی گروه بدوی و مستبد، به امید تدابیر احتمالی بین‌المللی، به تاخیر انداخته است. بدون حمایت‌ها و چشم‌فروستن‌های بین‌المللی، امارت طالبان نمی‌توانست دوباره شکل گیرد و دوام کند. پس از این نیز، بدون بندل‌های دالر و حمایت‌های بین‌المللی، آن امارت ضد آزادی، ضد زن، ضد تعلیم و ضد کار نمی‌تواند دوام بیاورد. مساله این است که چطور بتوانیم از این وابسته‌گی و اعتیاد به کمک‌های بشری و حالت احتضار ناشی از آن، بیرون شویم.